

# افغانستان آزاد - آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

سیدهاشم سدید  
۱۹ نومبر ۲۰۱۱

## جناب موسوی صاحب ارجمند و عزیز

نوشتن شبنامه به مقصد ترور شخصیت، و نه در موقعی که شخص در برابر حکومت های جابر و سرکوبگر قرار دارد و از روی ناگزیری به مقصد افشای حاکمان مستبد و خونخوار و سیستم های ضد مردمی به نام یک حرکت سیاسی صورت می گیرد، گذشته از این که بسیار بسیار نفرت انگیز است، معرف بی شخصیتی، جبن و درماندگی نویسنده آن در برابر کس یا کسانی که در شبنامه ها بدان ها تاخته و پرداخته می شود، می باشد. شاید لازم به تذکر نباشد اگر بگویم که نوشتن شبنامه یا استفاده از کلمات مستهجن همواره کار کسانی است که در خود توان بحث، یا مذاکره و مجادله روی یک مطلب، مسأله یا موضوع را ندارند.

شبنامه هائی که در شرایط اختناق برای رسیدن به اهداف والای سیاسی - اجتماعی از روی ناچاری و برای نیک بختی همگانی و رهائی از استبداد و دست یافتن به آزادی، یا فضائی بهتر برای زندگی مناسبتر سیاسی - اقتصادی - اجتماعی نوشته می شود نه این که مجاز است، که شوربرانگیز، دوست داشتنی، تسلابخش و لازم هم است. اما شبنامه نویسی به مقصد بستن تهمت و افتراء، و به زعم شبنامه نویس کوششی برای بی اعتبار ساختن کسی، به خصوص متوسل شدن به نامردانه ترین شیوه ها که همان کشیدن پای زن و فرزند اشخاص به میان است، بی نهایت شرم آور و زننده می باشد. چه باید کرد؟ این بار اول نیست که انسان بداخلاق، بی فضیلت و بی مایه ای به چنین امری دست می زند. من، همچنین شما، می دانم که هیچ انسانی حاضر نیست وقتش را، ولو هر قدر بی ارزش، برای نوشتن شبنامه غرض بدنام کردن اشخاصی بی اثر، بی ارزش و بی خاصیت صرف کند، زیرا چنین اشخاصی به آن نمی ارزند که کسی وقت و انرژی خود را مشتاقانه صرف آن ها بکند. فهمیدن این اصل که شما باید صاحب ارزش و مایه و مقامی باشید که کسی برای تخریب شما حاضر می شود امروز برای مردم دشوار نیست؛ مگر این که یا انسان کله اش خراب باشد یا از جمع بستن دو و دو عاجز باشند.

من بیشتر از این در این مورد و به شبنامه نویس چیزی نمی گویم. تنها چیزی که آرزو دارم این است که اگر ممکن باشد این گونه اشخاص کوشش کنند که به نوعی از تحول درونی یا اخلاقی دست یابند. شنیده ام که شبنامه نویس مشق نویسندگی هم می کند. اگر چنین باشد، پیام من به ایشان این است که نویسنده شدن بدون اتکاء و حرمت گذاشتن به انسان، بدون دگرگونی عمیق معنوی، احترام به عفت قلم و حفظ صافی و تقدس زبان ممکن نیست. چند نکته ای را که یاد کردم از جمله شرایط اولیه نویسندگی است. به نظر من اگر شبنامه نویس قادر به رعایت این نکات است، خوب، و اگر از پذیرفتن و رعایت آن ها عاجز است، بهتر است پی کار دیگری برود و بخت خود را در جا هائی بیازماید که اشخاصی پوچ زبان و به اصطلاح " لچکی " مانند خودش زندگی می کند. عرصه قلم عرصه مردمان شریف است، نه عرصه مردمان بی عار و بد زبان و عقده ئی و حسود!

سلام مرا به خانواده نجیب تان برسانید.